Original Article Open Access



Child Rights Journal

2022; 3(12): 65-72

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

The Necessity of Restorative Support for Mine Victim Children

Jabar Tahmasebi[1]

1. Department of Criminal Law and Criminology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Kurdistan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: According to official investigations and statements of government officials, Iran is the second country in the world contaminated with landmines despite sixteen million mines imposed after the end of the war on four million and two hundred thousand hectares of contaminated land in five western provinces. As a group of people at risk and residents of contaminated areas, children are an important part of the victims. The purpose of this article is to review the domestic and international laws and regulations which support mine injured children and examine the capacity of compensation and restoration as a restorative model in the treatment of physical and psychological trauma and resocialization of children who are victims of these munitions, focusing on their needs and wishes.

Method: The present study was carried out using library resources and descriptive-analytical method.

Results: Children are among the sensitive spectrum of mine victims, whose situation requires a differential protection approach from the government. In the law, only the financial needs of mine victim children have been considered with defects and the psychological and social needs of these children have not been considered.

Conclusion: The necessity of using the restorative model in supporting mine victim children is to focus on their real needs and wishes, which will be paved with legal changes and reforms.

Keywords: Children; Mine; Restorative Support; Compensation

Corresponding Author: Jabar Tahmasebi; **Email:** jabar.tahmasebi@gmail.com

Received: November 21, 2021; **Accepted:** January 25, 2022

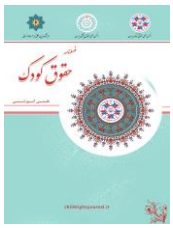
Please cite this article as:

Tahmasebi J. The Necessity of Restorative Support for Mine Victim Children. Child Rights Journal. 2022; 3(12): 65-72.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۷۲-۶۵

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

انجمن علمی حقوق کودک ایران
انجمن علمی حقوق پزشکی ایران
اندیشکده بین المللی کرامت انسانی

ضرورت ترمیمی کردن حمایت از کودکان قربانی مین

جبار طهماسبی[۱]

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، کردستان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بنابر تحقیقات رسمی و اظهارات مقامات دولتی، ایران با وجود شانزده میلیون مین بعد از پایان جنگ تحمیلی در چهارمیلیون و دویست هزار هکتار زمین آلوده در پنج استان غربی، دومین کشور آلوده به مین در دنیاست. کودکان به عنوان گروهی از افراد در معرض خطر و ساکنین مناطق آلوده، بخش مهمی از مصدومین و قربانیان را تشکیل می‌دهند. هدف از این نوشتار بازخوانی قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی حمایت از کودکان مصدومین مین و بررسی ظرفیت جبران و ترمیم به عنوان مدلی ترمیمی در درمان ترومای جسمی، روانی و بازاجتماعی کردن کودکان قربانی این مهمات با تمرکز بر نیازها و خواست‌های آنان می‌باشد.

روش: مطالعه حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده است.

یافته‌ها: کودکان از طیف‌های حساس قربانی مین هستند که وضعیت آنان رویکرد حمایت افتراقی را از سوی دولت ایجاب می‌نماید. در قانون صرفاً نیازهای مادی کودکان قربانی مین با نقایصی مورد توجه قرار گرفته و نیازهای روانی و اجتماعی این کودکان مورد لحاظ نبوده است.

نتیجه‌گیری: اهمیت مدل ترمیمی در حمایت از کودکان قربانی مین تمرکز بر نیازهای واقعی و خواست آنان است که با تغییرات و اصلاحات قانونی این مسیر هموار خواهد شد.

واژگان کلیدی: کودکان؛ مین؛ حمایت ترمیمی؛ جبران خسارت

نویسنده مسئول: جبار طهماسبی؛ **پست الکترونیک:** jabar.tahmasebi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Tahmasebi J. The Necessity of Restorative Support for Mine Victim Children. Child Rights Journal. 2022; 3(12): 65-72.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

سی و سه سال پس از پایان جنگ تحمیلی، جنگ مین همچنان ادامه دارد و مین و مهمات عمل نکرده در جنگی که گویی پایانی ندارد قربانی می‌گیرد. بنابر تحقیقات رسمی ایران دومین کشور آلوده به مین در دنیاست (۱). جدای از آمارهای ضد و نقیض در مورد تخمین تعداد مین در چهار میلیون و دویست هزار هکتار از زمین‌های آلوده ایران، مسئولان آن را بیش از ۱۶میلیون مین (۲) و مهمات عمل نکرده بعد از پایان جنگ تحمیلی در پنج استان آلوده آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان اعلام کرده‌اند.

راهکارهای شناخته شده جهت مواجهه با معضل مین که در حقیقت حاوی پنج فعالیت مکمل مشتمل بر ۱) خنثی سازی و پاکسازی ۲) آگاهسازی و آموزش ۳) حمایت از قربانیان ۴) پیگیری‌های قانونی و ۵) منهدم کردن انبارها می‌باشد که با هدف کاهش اثرات اجتماعی، اقتصادی و محیطی ناشی از مین تعریف شده است و هر کدام از اهمیت بالایی نیز برخوردار است که در جای خود ضروری است به تک تک آنها پرداخت. اما هدف این تحقیق، پرداختن به خشن‌ترین شکل این معضل، یعنی انفجار این مهمات جنگی و دفاعی و در واقع مصدومیت و قربانی شدن کودکان و متعاقباً حمایت از آنان می‌باشد.

بدیهی است که پاکسازی و خنثی‌سازی مین از تمامی جغرافیای پنج استان آلوده غربی بهترین راهکار مواجهه با این معضل است، اما پیشگیری‌ها به وسیله آموزش و آگاه‌سازی خطرات مین به عنوان راهکاری مکمل تا زمان پاکسازی کامل این مناطق، کمک شایانی به کم‌کردن تلفات انسانی خواهد کرد که البته این برنامه‌ها با ایراداتی همراه بوده است. به عنوان مثال هدف برنامه‌های آموزش خطرات مین و مهمات عمل نکرده، کاهش تلفات ناشی از این مواد با ارائه پیام‌های آموزشی استاندارد به کودکان است. در بیان دیگر فرض بر این است که رفتار و باورهای غلط، کودک را در معرض آسیب قرار داده است و از این‌رو با ارائه رفتارهای صحیح در برنامه آموزشی به تغییر رفتار خطرناک در مواجهه با این مواد و در نقاط پرخطر، چشم دوخته‌ایم. تغییر رفتار در افراد متفاوت است و با یک بسته آموزشی عمومی توسط سازمان‌های متولی دولتی و غیردولتی (مرکز مین‌زدایی کشور به عنوان متولی پاکسازی در کشور، سازمان بهزیستی، جمعیت هلال احمر، آموزش و پرورش و سمن‌ها)، نباید دنبال نتایج مشترک در افراد یا گروه‌های مختلف گشت. برای روشن شدن مسأله و اهمیت شناسایی دقیق گروه‌های در معرض خطر و دلایل خطرکردن این افراد می‌توان کودکان را بر اساس میزان آگاهی آن‌ها از خطر مین و مواد منفجرنشده به شرح ذیل دسته بندی کرد:

- آیا این امر(خطر کردن) بدان دلیل است که گروه در معرض خطر اساساً نمی‌داند که مین و مواد منفجرنشده، قابل انفجار هستند؟ (گروه اول)
- آیا این امر به خاطر آن است که گروه در معرض خطر نمی‌داند در مناطق خاصی مین یا مواد منفجرنشده وجود دارد که آسیب می‌رساند؟ (گروه دوم)
- آیا این امر به این دلیل است که گروه در معرض خطر با بی‌توجهی و سهل‌انگاری رفتار درست را انجام نداده و مثلا شروع به بازی با این مواد یا پاکسازی آن کرده است؟ (گروه سوم)

آیا این امر به این دلیل است که گروه در معرض خطر هیچ چاره‌ای جز ورود به مناطق آلوده برای مثال برای دسترسی به آب، غذا یا سوخت ندارد؟ (گروه چهارم)

قطعاً تغییر رفتار گروهی که بالاجبار دست به رفتار خطرناک می‌زنند (مثلاً اعضای گروه چهارم) بسیار سخت‌تر از کسانی است که اطلاعات لازم را ندارند (گروه اول). تأمل در گروه‌های فوق بسیار ضروری است و برای

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

مثال از مصادیق گروه اول می‌توان به کودکان و با تسامح به بزرگسالانی که باورهای غلط دارند نظیر اینکه گذشت سال‌ها و پوسیدگی مین و مهمات دیگر باعث عدم کارایی و عدم انفجار آن گشته است، اشاره کرد. عدم آگاهی از وجود مین در منطقه مشخص، مضافاً عدم وجود علائم خطر از دیگر موانع رویکرد پیشگیری از خطرات مین و مهمات منفجرنشده و مصدومیت کودکان می باشد.

به هر تقدیر در حوزه حمایت از کودکان در معرض مخاطرات ناشی از مین، چه از منظر پیشگیرانه و چه از منظر حمایت‌های پس از واقعه رویکردهای خاصی قابل اتخاذ است که با تأکید بر برنامه‌های ترمیمی می‌توان به آن‌ها توجه نمود و به انسداد یا کاهش آثار خسارات دست یازید.

روش

تحقیق حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای (اسنادی) و به شیوه توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده است.

یافته‌ها

۱. قوانین و مقررات مرتبط با حمایت از قربانیان مین: می‌توان گفت تنها قانون حمایتی در رابطه با حمایت از قربانیان مین در نظام حقوقی، «قانون برقراری حقوق وظیفه یا مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که به مناطق جنگی مراجعت نموده و به علت برخورد با مواد منفجره معلول یا فوت می‌شوند» مصوب ۱۳۷۲ می‌باشد که با تغییراتی در سالهای اخیر مواجه گشته است و در نهایت قانون اصلاح ماده واحده قانون مذکور در ۱۳۸۹/۰۵/۳۱ تصویب و ابلاغ گردید. در خصوص این قانون مسائلی وجود دارد که در ادامه به نقد آن خواهیم پرداخت.

۱-۱. عدم حضور قربانی مین در کمیسیون مربوطه: کمیسیون موضوع تبصره ۴ ماده واحده تنها قانون حمایتی در این زمینه، که قبلاً در استانداری‌ها با عنوان کمیسیون ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی تشکیل می‌گردید و با اصلاحیه سال ۱۳۸۹ در فرمانداری‌های مربوطه بر طبق ضوابط بنیاد شهید و امور ایثارگران تشکیل می‌گردد، «مرجع تشخیص فوت، معلولیت، خسارت، ضد انقلاب و عمد موضوع این قانون می‌باشد» و مطابق این تبصره ترکیب اعضاء احصاء شده شامل: ۱- فرماندار به عنوان رئیس کمیسیون؛ ۲- مدیریت بنیاد شهید و امور ایثارگران؛ ۳- ریاست اداره اطلاعات؛ ۴- فرمانده سپاه پاسداران؛ ۵- دادستان؛ ۶- فرمانده هنگ مرزبانی یا مرزبان منطقه؛ ۷- ریاست کمیته امداد و ۸- پزشکی قانونی می‌باشد که البته جای خالی نمایندگان مجلس یا شورای شهر مردم و همچنین قربانی یا خانواده وی و یا حداقل وکیل ایشان در این کمیسیون به روشنی نمایان است. در این صورت در کمیسیون مربوطه که مرجعی در واقع نظامی و امنیتی است نه اجتماعی، نیازها و خواست‌های قربانیان علی‌الخصوص کودکان که دارای نیازهای ویژه و تخصصی‌تر می باشند اساساً فرصت طرح و دفاع ندارد.

به نظر می‌رسد که برخورداری از حقوق افراد دچار صدمه و آسیب، نباید منوط به تشکیل کمیسیون ماده۲ فرمانداری‌ها باشد. چرا که اساساً حیثیت، جان و مال و حقوق اشخاص طبق اصل بیست و دوم قانون اساسی از تعرض مصون است و در نتیجه اگر صدمات روحی و جسمی و خساراتی جبران نشده باقی بماند کرامت و ارزش آن فرد پایمال شده است. وظیفه دولت است که از هر آنچه موجب این امر شود جلوگیری به عمل آورد و یا جبران خسارت کند. بدیهی است که قصور دولت در این زمینه، وظیفه دولت را در جبران خسارت در پی خواهد

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

داشت (۳). با این استدلال اگر شهروندی بعد از سپری شدن بیش از سه دهه از پایان جنگ تحمیلی، در اثر عدم پاکسازی مناطق آلوده و برنامه‌های نامناسب در این زمینه، دچار آسیب و خسران گردد. دولت باید به طور مطلق موظف به جبران گردد و در این خصوص مبانی حقوقی و مبانی فقهی ضمانت‌آور مسئولیت مدنی دولت روشن و قابل اثبات می‌باشد.

۱-۲. سایر اشکالات مربوط به قانون: قانون برقراری حقوق وظیفه یا مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که به مناطق جنگی مراجعت نموده و به علت برخورد با مواد منفجره معلول یا فوت می‌شوند (و اصلاحیه آن) دارای اشکالات شکلی و ماهوی دیگری نیز مزید بر آنچه گفته آمد می‌باشد. هرچند حذف عبارت «فساد اخلاقی» و «سهل انگاری» در تبصره ۱ اصلاحیه قانون ۸۹ مفید و سختگیری غیر ضروری برای حمایت از قربانیان را کمتر کرده است اما کماکان ابهام در واژه «عمد» وجود دارد؛ چون در بسیاری از موارد انفجار در مناطقی رخ داده که علائم خطری وجود نداشته است و یا خطر کردن به فرض عمدی بودن بیشتر شامل حال کودکان با حضور در مناطق خطر یا نوع آسیب در دست، که نشانگر دست زدن به این مهمات بوده است. لازم به ذکر است که حتی با فرض دست زدن یا با پا ضربه زدن به این مهمات توسط کودکان باید به وجود مین در جغرافیای زندگی این کودکان و حس کنجکاوی آنان تمرکز شود نه عمدی بودن رفتار و تقصیر کودکان. همچنین عبارت «سهل انگاری» که قریب به هفده سال بخشی از کودکان را به واسطه این رفتارها موضوع قید «سهل انگاری» موضوع قانون سال ۱۳۷۲ شناخته است خود منجر به عدم پوشش حمایتی از این بخش گردیده که این اقدام آسیب‌های اجتماعی و روانی بیشتر را برای کودکان و خانواده آنان به همراه آورده است.

۱-۳. اهمیت پیوستن به کنوانسیون اتاوا ۱۹۹۷: متاسفانه هنوز استفاده از مین ضدنفر بر طبق قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع نیست و در واقع مین، سلاحی محدود شده است نه ممنوع شده، هرچند به کارگیری آن، دو اصل بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه یعنی اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و دیگری اصل ممنوعیت رنج مضاعف یا بیهوده را نقض می‌نماید (۴). اما تلاش‌های بین‌المللی در این خصوص وجود دارد و بهترین نمونه کنوانسیون ممنوعیت بکارگیری، انباشت، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و نابودی آن‌ها (مصوب ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۷) مشهور به کنوانسیون اتاوا می‌باشد. این کنوانسیون جدای از عنوان آن، که گویای اهداف آن است بر پاکسازی مین‌ها و کمک به قربانیان تصریح دارد. غیر از تعهدات عمومی در زمینه نابودی مین‌ها در ماده ۶، به همکاری‌های بین‌المللی در خصوص حق درخواست و دریافت کمک، تحصیل مشارکت در بیشترین حد ممکن برای تبادل تجهیزات و اطلاعات فنی، ارائه تجهیزات پاکسازی و ... پرداخته است و در بند ۳ آن نیز به بحث‌های مراقبتی و توانبخشی، توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی قربانیان مین و برنامه‌های آگاه‌سازی از طریق سازمان ملل و موسسات دیگر، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جمعیت‌های ملی هلال احمر، پرداخته است. به نظر می‌رسد در شرایطی که فعالیتهای پاکسازی به گفته مسئولان بدون وقفه در حال انجام است پیوستن به کنوانسیون اتاوا در کنار ۱۶۴ کشور دیگر جهان ظرفیت پاکسازی و حمایتی از قربانیان را به همراه خواهد داشت.

۲. مدل ترمیمی جبران خسارت و نیازهای کودکان قربانی مین:

عدالت ترمیمی به عنوان رویکردی نوین به عدالت کیفری، بزه‌دیده یا قربانی را محور مطالعات خود قرار داده است. در بررسی تاریخ تحولات حقوق کیفری به

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

طور عمده با دو پارادیم عدالت کیفری سنتی و عدالت ترمیمی مواجه می‌شویم. مسیری که عبور از اندیشه‌ی کلاسیک جرم محوری و مجرم محوری (عدالت سزادهنده و عدالت بازپروانه) را به اندیشه‌ی نوین بزه‌دیده محوری (عدالت ترمیمی) نمایان می‌سازد (۵).

در واقع اصطلاح «عدالت ترمیمی» برای توصیف و تبیین پدیده‌ای به کار می‌رود که دارای محتوایی وسیع و چندجانبه است. بر این اساس، ارائه تعریف عدالت ترمیمی، کار ساده ای نیست و تا کنون نیز هیچ کس، یک تعریف جامع از آن ارائه نکرده است (۶). بنابراین در مورد عدالت ترمیمی نمی‌توان به یک تعریف اجماعی استناد نمود چه اینکه نویسندگان و اندیشمندان حقوقی با توجه به جهاتی که عدالت ترمیمی را تعریف داشته‌اند و همچنین قلمروی که برای آن منظور نموده‌اند تعاریف مختلفی را از این مفهوم به دست داده‌اند. «هوارد زهر» با تأکید بر کارکرد عدالت ترمیمی آن را اینگونه تعریف می‌کند: «عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند- تا آن جا که امکانپذیر است- تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه‌ای که امکانپذیر است، اقدام نمایند» (۷).

وفق ماده یک اصول اساسی بکارگیری برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری (قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲)، چنین مقرر شده است: «برنامه‌های عدالت ترمیمی، برنامه‌هایی است که فرایند ترمیم‌گرا را به کار گرفته و هدفشان نیل به نتایج جبران‌گر و ترمیم‌گر است ... »؛ این سند بین المللی در ماده بعدی خود نتایج کاربرد عدالت ترمیمی را آن توافقاتی می‌داند که نتیجه فرایند جبران و ترمیم در نظام عدالت کیفری است. این نتایج شامل استرداد و جبران خسارت، خدمات عام المنفعه برای جامعه یا خدمات شخصی برای بزه دیده و دوباره اجتماعی کردن بزهکار و بزه‌دیده می باشد (۸).

در این پژوهش بهره‌برداری از رویکرد ترمیمی به عدالت به عنوان مدلی جهت بررسی و نگاهی همه جانبه به نیازها، خسارات و جبران و ترمیم قربانی مین و خانواده وی مدنظر قرار گرفته است. این الگو در رابطه با مصدوم مین قربانی محور است و ضرورت طرح آن عدم توجه و اهتمام به نیازها و خواست‌های کودکان قربانی این مهمات در مقررات موجود می‌باشد که به مواردی از آن اشاره خواهد شد.

۲-۱. عدم حمایت فوری و نهایی از کودک قربانی مین:

نظر به اینکه حمایت مقرر در قانون «برقراری حقوق وظیفه یا مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که به مناطق جنگی مراجعت نموده و به علت برخورد با مواد منفجره معلول یا فوت می‌شوند»، موکول به اظهار نظر کمیسیون مربوطه شده است عملاً مبنا و مسئولیتی قانونی برای ارگان‌های حمایتی در این خصوص ایجاد نشده است (منظور تعهدی غیر از مسئولیت‌های اصلی ارگان‌هاست)؛ این در حالی است که مراقبت‌های پزشکی و روانی در ساعت‌ها و روزهای اول بسیار حیاتی و از جمله‌ی حمایت‌های فوری و ضروری برای کودکان در این حیطه است.

اما در خصوص حمایت‌های نهایی، این امر در راستای تعریف ما از مفهوم صدمه و آسیب و مصادیق آن معنا می‌یابد و امروزه این مفهوم توسعه یافته و شامل خسارت‌های مالی و روانی، تحمل درد و رنج و آلام جسمی و روانی، از دست دادن فرصت انتفاع از زندگی و امید به زندگی می‌باشد (۳) که همگی می‌تواند بیانی از آثار و تبعات گسترده انفجار بر قربانی و خانواده وی باشد. لذا گستره حمایت‌ها باید در جهت ترمیم و جبران تمامی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

نیازها و رنج‌ها و مطابق با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و نظرات و نگرانی‌های قربانی شامل مراقبت پزشکی، توان بخشی و حمایت‌های روانی و در نهایت توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی باشد.

۲-۲. ضرورت حمایت افتراقی از کودک قربانی مین:

اهمیت و ضرورت حمایت افتراقی بر مبنای اصل تبعیض مثبت نسبت به برخی از قربانیان بر اساس متغیرهای فردی نظیر جنسیت و سن را نباید از یاد برد؛ به عنوان مثال طبیعتاً پیامدها، نتایج و اختلال‌های پس از ضربه استرس‌زا در کودکان به مراتب بیشتر از بزرگسالان می‌باشد و به همین دلیل حمایت‌های روانی فوری جهت ترمیم و فاصله گرفتن از رویداد ضربه‌زننده در این قشر ضروری به نظر می‌رسد (۹). به عنوان نمونه تفکرات تکراری و خواب‌های وحشتناک درباره انفجار که علائم اصلی این اختلال می‌باشد به وضوح در کودکان دیده می‌شود. حمایت افتراقی و ویژه به دلیل وضعیت خاص قربانی باید در نظر گرفته شود و حمایت‌ها متناسب با نیازها و مشکلات قربانی باشد و در معنای دیگر به دنبال رفتار به مثابه برابر باشیم نه رفتار برابر با قربانیان.

بحث و نتیجه‌گیری

امروز در پی بیش از سه دهه از پایان جنگ تحمیلی، به هر دلیلی پاکسازی مناطق آلوده کامل نشده است و مین و مهمات منفجرنشده کماکان وجود دارند و قربانی می‌گیرند. در چنین وضعیتی این تعهد و مسئولیت جدی برای دولت (در معنای عام) است که در صورت ناتوانی در پاکسازی، حداقل با همه توان در جهت کاهش آلام قربانیان این مواد بکوشد. کودکان یکی از طیف‌های حساس قربانی مین هستند که وضعیت آنان حمایت افتراقی را ایجاب می‌نماید. در صورت حمایت از کودکان طبق قانون داخلی در بهترین حالت، به صورت ماهانه مستمری جهت سرپرستی تحویل خانواده این کودکان می‌گردد؛ اما هیچگاه نیازهای روانی و اجتماعی آنان مورد توجه این مقررات نبوده است. گرانیگاه مدل ترمیمی در حمایت از کودکان قربانی مین متمرکز بر نیازهای واقعی و خواست آنان می‌باشد که با تغییرات و اصلاحات قانونی این مسیر هموار خواهد شد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی، شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

References

1. The final report of the research project on human losses caused by mine explosion. Publications of the Research Institute of Engineering and Medical Sciences of Veterans; Winter 2006.

2. The message of the President of Iran on the occasion of the International Day of Mine Hazard Education and Dealing with the Mine Problem. April 2014.

3. Haji Dehabadi A. Compensation for the damage suffered at the expense of the government and public institutions, Tehran: Publishing Organization of Islamic Culture and Thought Research Institute; 2009.

4. Siah Rostami. H. et al. (Translation from the National Humanitarian Law Committee of the Islamic Republic of Iran), International Humanitarian Law Regarding the Protection of Individuals in Armed Conflicts (Geneva Document Collection) 1st Edition, 2011.

5. Najafi Abrandabadi AH. From classic criminal justice to restorative justice. Specialized journal of Razavi University of Islamic Sciences. 2003; 9-10: 3-38.

6. Shiri A. Restorative justice processes. Journal of Crime Prevention Studies. 2005; 2(1): 17-21.

7. Howard Z. Small book of restorative justice. Translated by Hossein Gholami. Tehran: Majd Publications; 2004, p. 62.

8. Abbasi M. Restorative justice, a new perspective of criminal justice. Journal of public law research. 2003; 5(9): 96-97.

9. Haji Tabar Firoz Jaei H. Differential support theory of victimology. Tehran: Jungle Publications; 2012.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.